

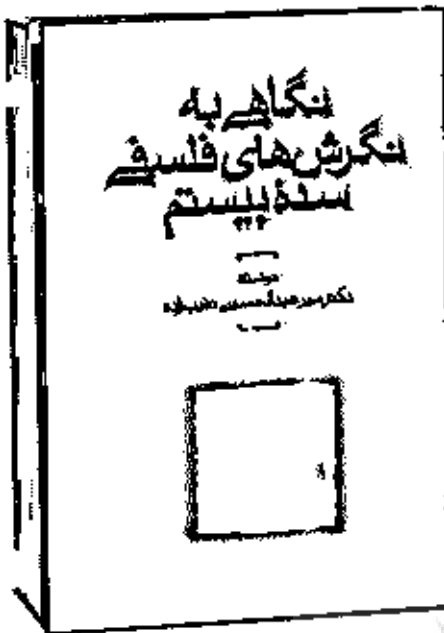
# این ره که تو می روی...

دکتر نقیب زاده در «نگرش های فلسفی در سده بیستم» کولازی ناهمگون

از مکاتب و مفاهیم فلسفی سده بیستم ارائه کرده است

اسید محمد پاک نهاد

برای فهم فلسفه، داشتن حداقلی از اطلاعات درباره تاریخ فلسفه ضروری است. نمی توان فلسفه خواند بی آنکه به شرایط و زمینه های پیدایش فلسفه و آرای فلاسفه گوناگونی که در تاریخ ظهور کرده اند بی توجه ماند. این نکته خود اهمیت و جایگاه تاریخ فلسفه را به خوبی نشان می دهد و نیز روشن می سازد که تاریخ نویسی فلسفه کاری است روشمند، اصولی و مبتنی بر اطلاعات و داده های دقیق و عمیق. کتاب «نگرش های فلسفی سده بیستم» از محدود تالیفات پژوهندگان ایرانی درباره فلسفه غربی است. اینکه ضرورت روی آوری به تالیف و کار پژوهشی بر بسیاری از محققان ما آشکار شده، خود موضوعی خوشایند و ارزشمند است. با وجود این، ظاهراً برای رسیدن به جایگاهی درخور توجه و کارآمد در این زمینه، راهی دراز در پیش است. این مقاله، نقدی است بر کتاب دکتر نقیب زاده.



نگرش های فلسفی در سده بیستم  
میرزا حسین نقیب زاده  
مجله فلسفه  
چاپ اول ۱۳۸۷

تناقضات و شکاف های موجود در آنها) با اینکه اصلاً هیچ رویکردی نداشته و به نحوی خنثی، منفعلانه و گزارش گونه می خوانسته به شرح علم ترین مضامین جریان های فکری معاصر بپردازد. همچنین مانعی دائمی خط ربط این گزارش های فکری که به شکلی موازی یا در زمینه هایی بیشتر مشترک در سده بیستم پدید آمده اند چیست که این خود ناشی از نبود یک روش شناسی مشخص در کتاب است. کتاب هایی که با هدف شرح تاریخ فلسفه نوشته می شوند، معمولاً یک چهار چوب مفهومی عام را مورد بحث قرار داده و دوره تاریخی مورد نظرشان را بر اساس آن چهار چوب ارزیابی می کنند. این چهار چوب مفهومی کمک می کند تا خط ربط و نسبت قضایا و رخدادها روشن شود و خواننده پس از خواندن کتاب، یک تصویر کلی از جریان فلسفه در دوره تاریخی مذکور حاصل کند. اما فقدان این باعث نوعی گسست و عدم ارتباط میان فصول کتاب می شود. گویی جریان ها در خلأ پدید آمده اند و هیچ نسبتی با یکدیگر ندارند. در کتاب «نگرش های فلسفی» شاهد همین اتفاق هستیم؛ یعنی با پایان یافتن فلسفه تحلیلی، گویی نقش این جریان فکری در قرن بیستم و نسبتش با جریان های دیگر فلسفی نیز به پایان رسیده است. این امر زمانی نمود بیشتری پیدا می کند که به جای پرداختن به نگرش های فلسفی، به خود فیلسوفان بپردازیم. با وجود اینکه عنوان کتاب «نگرش های فلسفی» حاکی از این است که مولف قصد شرح جریان ها یا گفتارهای فکری سده بیستم را دارد اما در عمل شاهدیم که فیلسوفان مورد بررسی قرار گرفته اند نه جریان های فلسفی.

رویکرد زمانی، فصل اول به فلسفه تحلیلی و فصول بعدی به ترتیب به فلسفه های پراگماتیسم، گزینشیسم، اسیسم، ساختار گرایی، پست مدرنیسم و نظریه انتقادی پرداخته است. حجم کتاب آن قدر هست که بتوان جریان های متعدد فلسفی را در یک دوره زمانی ۱۰۰ ساله در آن گنجانده اما نوع کمیت فصول به نظر می رسد بر اساس علائق و سلیقه نویسنده تنظیم شده باشد. به نحوی که مثلاً فصل مرتبط با فلسفه هستی حدود ۲۰۰ صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده در حالی که فصل ساختار گرایی تنها ۱۰ صفحه است. کتاب مقدمه ای ندارد، نویسنده نیازی ندیده است در باره نحوه انتخاب فصول، موضوعات و گزینش یا تالیف، روش شناسی، نوع خوش یا بد پهل گزینش جریان ها به خواننده توضیحی بدهد. ما به عنوان خواننده کتاب نمی دانیم نویسنده از چه منظری و در چه چهار چوب نظری ای به شرح نگرش ها پرداخته آیا هدف او یک بررسی تحلیلی از جریان های فلسفی بوده (به معنای بررسی مضامین فلسفی و روشن سازی عناصر اصلی هر یک و نیز مقایسه این عناصر در فلسفه های مختلف برای دستیابی به مبانی معرفتی این فلسفه ها) یا از منظری هرمنوتیکی آرای فلاسفه را شرح داده است (به معنای تعیین یک موضوع مشخص و ایجاد گفتار با نگرش های مختلف فلسفی در قالب یک افق مشترک) یا اینکه ترجیح داده رویکردی انتقادی داشته باشد (به معنای تعیین شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی شکل گیری فلسفه ها و بررسی انتقادی قضامی مواضع حاصل از جریان های فکری برای آشکار سازی

اگر کسی تصمیم بگیرد در حوزه فلسفه قرن بیستم مطالعاتی داشته باشد در بازار، کتاب های زیادی خواهد یافت که به نحوی به این حوزه مرتبطند. مثلاً فلسفه یا فیلسوفان گزینشیسم یا فلسفه یا قبله جوفای تحلیلی، نظریه انتقادی، هرمنوتیک، ساختار گرایی و پس ساختار گرایی، روانکوی و... هر کدام منبع یا منابعی دارند که تا حدودی نیاز فوری و اولیه مخاطب را بر طرف می کند. اما اگر مخاطب بخواهد افق فکری قرن بیستم یا به عبارتی یک شرح کلی و فراگیر از جریان اندیشه در سده بیستم را دنبال کند، کتاب های موجود در بازار به تنگنای یک دست هم نمی رسد. این همان چیزی است که یک «تاریخ فلسفه قرن بیستم» می تواند به خوبی پاسخگویش باشد. در حال حاضر، نمونه هایی از این تاریخ فلسفه در بازار موجود است که هر یک در پاسخگوئی به یک نیاز خاص و یا تک به بر چهار چوب و روشی خاص، جریان های فلسفی قرن بیستم را شرح داده است. قابل پیش بینی است که فریب به اتفاق این آثار ترجمه بوده و از نظر ترجمه نیز برخی خوب و برخی ضعیفند. اما کتاب «نگرش های فلسفی سده بیستم» که به ترکی وارد بازار شد، علاوه بر این بابت استثنای است. کتاب تالیف دکتر میرزا حسین نقیب زاده است که پیش از این، آنژی، همچون «فلسفه گفتمانی پیداری از خواب دکارتیسم» «نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش» «هر آمدی به فلسفه» و «گفتارهایی در فلسفه و فلسفه تربیت» را از او شاهد بودیم.

مرفصل های کتاب بر اساس تقسیم بندی های مرسوم فلسفه معاصر طبقه بندی شده است؛ یعنی مطلق یک